

بررسی تطبیقی و نقد و تحلیل دو چهره حماسی در ادبیات ایران و جهان (اسفندیار و آشیل)

۱. سید علیرضا حجازی*، ۲. محمدسعید فرجی**

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران.
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۳)

چکیده

دو اثر عظیم حماسی شاهنامه فردوسی و ایلیاد و اودیسه هومر از نظر عناصر داستانی و محتوایی و حوادث خارق العاده، از مهم ترین حماسه های جهان هستند که از بسیاری جهات شایسته پژوهشی تطبیقی است. شخصیت اسفندیار در شاهنامه و آشیل در ایلیاد نمونه بارز این ادعاست؛ چنان که زندگی آشیل پیوسته در جنگ و جدال می گذرد، عمر کوتاه اسفندیار نیز در پیکار، لشکرکشی و پایداری سپری می شود که البته حیات هر دو پهلوان مملو از کامیابی و درخشش است. اسفندیار شاهزاده و پهلوان ایرانی و گسترده دین زرتشت در آرزوی بر تن کردن رخت شاهی پدرش گشتاسپ، به سیستان تاخت تا دست رستم را ببندد که سرانجام با راهنمایی زال و سیمرغ به دست رستم کشته می شود. آشیل هم با انگیزه پس گرفتن معشوقه اش (بریسئیس) از آگاممنون و ستاندن انتقام پسرعمویش (پاتروکلوس)، هکتور پهلوان و شاهزاده تروا را کشت که در پایان، پاریس پسر پیام (شاه تروا) و برادر هکتور با کمک آپولون تیری بر پاشنه آشیل نشانند و او را به هلاکت رساند. در این پژوهش قصد داریم این دو شخصیت حماسی و اسطوره ای را به شیوه ای توصیفی - تحلیلی بررسی و تطبیق کنیم.

کلیدواژه ها: نقد و تطبیق، حماسه، اسطوره، ادبیات پایداری، اسفندیار، آشیل، شاهنامه فردوسی، ایلیاد هومر.

* نویسنده مسئول) E-mail: Sa.hejazi@yahoo.com

** E-mail: mohamadsaeedfaraji@yahoo.com